

مناقشه قره‌باغ و سیاست خارجی بازیگران منطقه ای / سرگی مارکدائف

مناقشه قره‌باغ کوهستانی یکی از اولین مناقشات موجود در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی بود. این مناقشه پس از یک ربع قرن، از اختلافی که مابین دو جامعه و دو جمهوری در قالب یک دولت، یعنی اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت به رویارویی ارمنستان و آذربایجان تبدیل شد که هنوز دورنمای روشنی برای حل و فصل آن قابل مشاهده نیست.



به گزارش آران نیوز: مناقشه قره‌باغ کوهستانی یکی از اولین مناقشات موجود در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی بود. این مناقشه پس از یک ربع قرن، از اختلافی که مابین دو جامعه و دو جمهوری در قالب یک دولت، یعنی اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت به رویارویی ارمنستان و آذربایجان تبدیل شد که هنوز دورنمای روشنی برای حل و فصل آن قابل مشاهده نیست. در حال حاضر بین این دو کشور فقه‌قازی هیچ مناسبات دیپلماتیکی برقرار نیست و مرز مابین دو کشور به جبهه مستحکمی تبدیل شده است، که در طول آن درگیری‌ها و حوادثی رخ می‌دهد. به دنبال این مناقشه، در عمل جمهوری قره‌باغ تشکیل شد که برخلاف آبخازیا و استیای جنوبی تا کنون از سوی هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشده است. روسیه (که وارث شوروی است)، کشورهای همجوار با قره‌باغ یعنی ترکیه و ایران و همچنین بازیگران خارجی آمریکا و اتحادیه اروپا- برای حل و فصل این اختلاف ابراز تمایل کرده اند.

مرحله بعدی مناقشه در می‌1994 یعنی از زمان اجرایی شدن توافقنامه آتش بس دائمی آغاز شد که می‌توان از آن به عنوان «وضع موجود پرتحرک (ملتهب)» نام برد. از آن زمان عملیات جنگی فعال پایان گرفته و تکاپو برای یافتن راه حل مسالمت آمیز آغاز شده است. با این حال، برخلاف دیگر نقاط ملتهب قلمرو شوروی، قره‌باغ کوهستانی و سرزمین‌های همجوار آن هیچ‌گاه میزبان نیروهای حافظ صلح نبوده اند. در خط تماس دو کشور (نزدیک به 200 کیلومتر) توازن سیاسی نظامی نیروها برقرار است. ترک مخاصمه دائما نقض می‌شود و در آوریل 2016 در این منطقه شدیدترین برخوردها از می‌1994 در گرفت. با این حال، علی‌رغم این تکان‌ها وضع موجود حفظ شده است. در پی این درگیری، خطوط تماس تغییر اساسی نکرده (تنها قطعه کوچکی از اراضی، تحت کنترل آذربایجان قرار گرفته است) و زیرساختهای جمهوری به رسمیت شناخته نشده‌ی قره‌باغ پابرجاست، روند مذاکرات تحت نظارت گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا قرار دارد و مذاکرات به صورت سه جانبه (روسیه ارمنستان-آذربایجان) دنبال می‌شود. در عین حال پس از وقایع آوریل، روند تنش‌زدایی از این رویارویی مسلحانه، به قطع حوادث و درگیری‌ها در امتداد خطوط تماس دو کشور نیانجامیده است.

اجماع نامرسوم روسیه و غرب

برخلاف مناقشات موجود در آبخازیا، استیای جنوبی، ترانسنیستریا، جنوب شرق اوکراین و بالکان، مواضع روسیه و غرب در رابطه با مناقشه قره‌باغ در عمل یکسان است و اختلاف نطری با هم ندارند. در حال حاضر سه کشور همکار در گروه مینسک (امریکا، روسیه و فرانسه)، به رغم همه اختلافات موجود، اجماع خود را در ارتباط با «اصول اعلام شده مادرید» به عنوان پایه‌ای برای رسیدن به راه حل مسالمت‌آمیز حفظ کرده‌اند.

نقش روسیه در روند صلح قره‌باغ اصولا از نقش مسکو در حوزه قفقاز متفاوت است. نخست اینکه، میانجیگری روسیه برای دو طرف مناقشه مطلوب است (چیزی که نه در آبخازیا و نه در اوستیای جنوبی حداقل از آغاز سال‌های 2000 اینگونه نبوده است). باکو و ایروان، هر دو علاوه بر حل و فصل مسئله مناقشه قره‌باغ به توسعه مناسبات دوجانبه با مسکو علاقمند هستند. علاوه بر مرز مشترک آذربایجان و روسیه در بخشی از داغستان، یک سری تهدیدها از جمله توسعه اسلام‌گرایی افراطی، آذربایجان را با روسیه پیوند می‌دهد. باکو و مسکو همچنین در طیف گسترده‌ای از مسائل در منطقه خزر با هم همکاری دارند. ارمنستان نیز از اعضای سازمان پیمان امنیت جمعی و تنها متحد نظامی مسکو در حوزه قفقاز است، که علاوه بر استقرار پایگاه نظامی 102 روسیه در خاک این جمهوری در گیومری، مرزبانان روسی از محیط خارجی آن محافظت می‌کنند. در این میان کرم‌لین هم، از روابط خصوصی و معتمدانه‌ای هم با نخبگان ارمنستان و هم آذربایجان برخوردار است.

دوم اینکه، فعالیت صلح‌بانی روسیه در قره‌باغ کوهستانی از جانب غرب مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرد. حتی در حال حاضر که مناسبات مسکو و واشنگتن به پایین‌ترین سطح خود از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون تنزل یافته است، دیپلمات‌های امریکایی ارزیابی مثبتی از نقش رهبری روسیه در روند تنش‌زدایی این رویارویی مسلحانه و همینطور فعال سازی روند مذاکرات سه جانبه دارند.

حل و فصل مناقشه قره‌باغ تقریبا، تنها شکل همکاری نسبتا موفق مابین ایالات متحده آمریکا و روسیه در فضای پسا شوروی است. همانند مسکو، واشنگتن هم بین گروه‌های مختلف ذینفع توازن برقرار کرده است. از یک سو، مسائل امنیت انرژی واشنگتن را به باکو نزدیک کرده است، از سوی دیگر دیدگاه‌های لیبرال، با مواضع لابی ارمنی مشابهت دارد (در این رابطه جنبش قره‌باغ کوهستانی به عنوان پاسخی به سیاست‌های ملی تبعیض‌گرایانه شوروی تلقی می‌گردد). اما در رابطه با اتحادیه اروپا باید گفت که بروکسل در موضوع قره‌باغ هیچ پروژه صلح بانی مستقلى ندارد. در این باره در گروه مینسک، فرانسه نماینده تام‌الاختیار است.

عامل همسایگان: ترکیه و ایران

با این حال، روسیه و غرب تنها بازیگران فعال در عرصه مناقشه قره‌باغ نیستند. حل و فصل مناقشه قومی سیاسی ارمنستان و

آذربایجان بدون در نظر گرفتن منافع قدرت‌های همسایه یعنی ترکیه و ایران غیرممکن است. ضمناً این دو کشور در این مناقشه مدعی ایفای نقش مستقل بوده و دارای منافع متمایزی از منافع روسیه و واشنگتن هستند. با این حال آنکارا و تهران الگوهای گوناگونی را برای مشارکت در حل و فصل این اختلافات پیشنهاد می‌کنند. به طوری که، هر اندازه ترکیه در زمان گسترش عملیات نظامی در سال‌های 1992-1993 جانب آذربایجان را گرفت و در زمان تشدید مناقشه آوریل کاملاً با رویکردهای متحد راهبردی خود هم صدا شده بود (علاوه بر ترکیه اوکراین هم چنین موضعی داشت)، ایران درصدد بود تا با ایفای نقش میانجیگر بین ایروان و باکو توازن برقرار نماید. در این رابطه موضع ترکیه به عنوان یکی از اعضای ناتو اساساً با مواضع متحدانش در این سازمان یعنی امریکا و فرانسه متفاوت است. دو کشور نامبرده خواهان پیروزی یکی از دو طرف مناقشه نیستند بلکه طرفدار راه حل سازش و مصالحه می‌باشند.

با این حال شایان ذکر است که در سال‌های 2008 تا 2010، ترکیه و ارمنستان به منظور جداکردن مناقشه قره‌باغ از بافت کلی سیاسی تاریخی روابط دوجانبه، تلاش‌هایی را جهت عادی‌سازی روابط دوجانبه به عمل آوردند. اما این هدف نیز نائل نشد.

رویارویی ترکیه و روسیه در سال‌های 2015 - 2016 نیز مخاطرات بیشتری برای مناقشه قره‌باغ در بر داشت، اما عادی‌سازی مناسبات این غول اوراسیایی همراه با به رسمیت شناختن نقش سازنده آنکارا در روند حل و فصل مناقشه قره‌باغ از جانب مسکو، فرصت‌های جدید و البته محدودی برای یافتن راه حلی برای مصالحه ایجاد کرده است.

ایران در مورد قره‌باغ به دو موضع پایبند است. نخست، حل مناقشه از طریق مسالمت آمیز و مهمتر از همه با تلاش‌های خود کشورهای منطقه. دوم، نگرش انتقادی به اجرای «اصول مادرید». در واقع، حل و فصل مناقشه قره‌باغ در صورت ورود نیروهای صلح‌بان بین المللی در منطقه (صرف نظر از اینکه تحت پرچم چه کشوری باشند) باب طبع ایران نیست. نمایندگان ایران همواره اظهار داشته اند که نیروهای خارجی نباید در منطقه حضور داشته باشند. در ارتباط با «اصول زیربنایی» برای ساماندهی و حل و فصل این مناقشه مواضع ایران با رویکردهای روسیه مشابهتی ندارد، هر چند جمهوری اسلامی ایران هم به مانند روسیه مخالف راه حل نظامی است. این شیوه متناقض مواضع ایران را با نظرات دو عضو «غربی» گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا نزدیک کرده است.

هر راه حلی به جز راه حل نظامی

با این حال، چنانچه طرفین مناقشه نتوانند قاعده‌ای برای سازش بیابند که بتوان در عمل آن را پیاده کرد، بعید است که مذاکرات با مشارکت «طرف‌های ذینفع» (خواه روسیه، امریکا، ترکیه و یا ایران) نتیجه‌ی مثبتی در بر داشته باشد. در این میان، پس از 22 سالی که از اتمام عملیات نظامی سپری شده است، چنین فرمول‌هایی هنوز طرح ریزی نشده است. اما مهمتر از همه این که، ایروان و باکو برای سازش و مصالحه آمادگی ندارند. تلقی هر یک از طرف‌های درگیر از «حل و فصل مناقشه» سازش و دادن امتیازهایی به یکدیگر نیست، بلکه هر یک به دنبال پیروزی بر طرف مقابل است.

در یک مورد این امر تثبیت موفقیت نظامی سیاسی است که در می‌1994 به دست آمده بود و مورد بعدی برقراری مجدد تمامیت ارضی با استفاده از روش‌های نظامی و به شیوه عملیات کرواسی علیه جمهوری خودخوانده صرب کراینا می‌باشد. به احتمال زیاد، روند مذاکرات نباید نتیجه از پیش تعیین شده‌ای داشته باشد. تعیین وضعیت اراضی مورد بحث هرگز ثمربخش نخواهد بود. مسلم است که گفت و گو پیرامون آینده قره‌باغ بدون توجه و در نظر گرفتن واقعیت‌های دو دهه گذشته به سادگی امکانپذیر نیست. بازگرداندن اراضی مورد مناقشه به دولتی که این اراضی رسماً به آن منتسب شده و اختصاص یافته طبق تعریف نمی‌تواند روی دهد. در عین حال تحریک روند خودگردانی جمهوری قره‌باغ به صورتی که تنها از بعد قومی در نظر گرفته شود، به خصوص بدون در نظر گرفتن اوضاع در مناطقی که در ترکیب خودمختاری قره‌باغ قرار نمی‌گیرند و خواهان جدایی از آذربایجان هم نیستند خطرناک است.

گزینه مشخص حل و فصل این مناقشه می‌بایست نتیجه نهایی یک سری توافقات و چانه‌زنی‌های سیاسی باشد. چنین چیزی با از بین بردن تمام انگیزه‌های طرف‌های متخاصم برای مذاکرات بیشتر و تحمیل قبلی به آنها شدنی نیست. در این راستا، حذف فشار از روند حل و فصل مناقشه و دستیابی به صلح قره‌باغ باید در اولویت قرار گیرد. جوهره مذاکرات می‌تواند فرمول «هر راه حلی شدنی است به جز راه حل نظامی» باشد. هرچه نزاع و اختلاف کمتری در میان بازیگران خارجی ذینفع بروز یابد، حفظ چنین قاعده و فرمولی در روند مذاکرات صلح راحت تر خواهد بود.

منبع: ایراس